

جنگ

— جناب عالی بعنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع وضعیت و کارائی نیروهای اسلام را در حد ممکن (از لحاظ امنیتی) بیان فرمائید.

بسم الله الرحمن الرحيم
بنظر من، مجموعاً وضع نیروهای ما در جبهه‌ها خوب است، یعنی از هر وقت که حساب کنیم از زمان جنگ تا بحال، الان وضعیتمان بهتر است، اولاً نیروهای ما کاملاً دوره دیده‌اند، تجربه‌ای دارند، تقریباً همه آشنائی با جنگ پیدا کرده‌اند، فنون جنگ را عملاً در میدانها تجربه کرده‌اند، فرصت استراحت و تعویض نیرو را هم پیدا کرده‌ایم، یکتوخت توی جبهه‌ها نمانده‌اند که کسل و خسته شوند، گاهی مرخصی می‌روند، گاهی از مقدم جبهه می‌آیند پشت جبهه، نیروهای مردمی که از طریق سیاه و سیخ تزریق می‌شوند به جبهه‌ها، کمک خیلی خوبی هستند، هم به ارتش روح می‌دهند، وهم بخاطر رشادتها و فداکاریهایی که از خود نشان می‌دهند برای آنها سرمشقند، از طرفی از آنها خیلی چیز

مصاحبه اختصاصی با: حجة الاسلام والمسلمین

هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی
و نماینده امام در شورای عالی دفاع

— از نظر کلی نتایجی که جنگ تا کنون در بعد داخلی و خارجی بفتح جمهوری اسلامی داشته تحلیل فرمائید:
البته جنگ را نمی‌شود همه‌اش را نفع

جابجایی توانیم بکنیم، اینکه حمله کردن برای ما آسان شده، همین اندازه برای عراق دشوار شده، یعنی عراق همی‌تکه در یکجا یک لشکرش تار و مار شد (شکست جدیدش در

وضعیت و کارائی نیروهای رزمنده اسلام .. نتایج و آینده جنگ .. آثار جنگ در منطقه

یاد می‌گیرند. فن و تجربه و مهارت ارتش هماهنگ شده با فداکاریهای جبهه‌های داوطلب، خوب، داوطلب‌ها نوعاً فداکارترند چون مخصوصاً برای شهادت یا بیسروزی می‌آیند میدان، هیچ چیز غیر از این توی فکرشان نیست، این حالت برای ارتش هم سازندگی پیدا کرده، الان بدنه ارتش ما تقریباً از راس تا ذیل همگی از جنگ استقبال می‌کنند، هیچ خستگی نشان نمی‌دهند، این بیشترین چیزی است که من رویش تکسبه می‌کنم، تعداد نیرو هم به اندازه کافی در جبهه‌ها داریم، با فتح آبادان نیروی آزاد کردیم که آن نیرو می‌تواند در هر جبهه‌ای که بخواهیم حمله کنیم حضور پیدا کند، در گذشته جبهه‌ها حالت تعادل پیدا کرده بود قدرت حمله نه آنها داشتند و نه در خیلی جاها ما، ولی الان ما نیروی متحرک داریم

بستان / مشکش را مصاعف می‌کند و برای ما یک موقعیت بهتر معنا عفی را ایجاد کرده.
ما از لحاظ افراد خوبیم، از لحاظ روحیه خوبیم، از لحاظ امکانات جنگی هم خوبیم، چون یک مقدار چیزهایی داشتیم که احتیاج به تعمیر داشته، در این فاصله تعمیر کردیم، کارخانه‌های مهمات سازی ما راه افتاده خوب، و فعالیت چیزهایی که نیاز فوری جنگ است سرعت تامین می‌کند، یک مقدار از عراقی‌ها در آبادان جا‌های دیگر گرفتیم، اینهم اضافه شده بر امکاناتمان، بنظر من کاملاً ما در وضع تصمیم‌گیرنده هستیم، در جنگ ما موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی را می‌سنجیم و نقطه‌ای را انتخاب می‌کنیم برای ضربه زدن، باید به آینده جنگ به همین دلیل که عرض می‌کنم امیدوار بود.

حساب کرد، بهر حال جنگ حالت اولش تخریب و تباهی است، اگر این جنگ نمی‌شد خیلی بهتر بود، بعنوان یک چیزی که بر ما تحمیل شد وارد عمل شدیم، والا ما جنگ نمی‌خواستیم، بهترین بود که جنگ نمی‌شد و ما دنبال کارهای سازندگی بودیم، من دیشب که فیلم مستند عملیات حمله به شهرستان را دیدم و این جسد‌های عراقیهائی که توی سنگرها افتاده بودند، سخت متأثر می‌شود انسان، آنها هم نیروهای دنیای اسلام هستند، ما هم همینطور، این همه گلوه که دود می‌شود، این همه دستگا‌های گرانقیمت که می‌سوزد، این همه نیروهای که آنجا تلف می‌شود، نیروئی که تلف می‌شود، مردمی که آواره شدند، کینه‌ای که این جنگ باقی می‌گذارد بین مردم، خانواده‌هایی که از شان کسی می‌میرد از دو



بفرض که اسال هم جنگ تمام بشود ، سال آینده راهم گرفتار تبعات جنگ از نظر اقتصادی باشیم ، آنجا هم فداکاری دارد که برای ما سازندگی دارد ، وهم کمبود دارد که جنبه منفی اش است .

– آینده و پایان جنگ که حتماً با پیروزی نهائی و قطعی جمهوری اسلامی خواهد بود چگونه و در چه زمانی پیش بینی می شود ؟ دقیقاً که نمی شود این چیزها را پیش بینی کرد ، ولی بنظر من اینکه ما الان آمادگی داریم ارتشمان ساخته شده و سپاهمان آماده است و بسیج مان خوب مردم شرکت می کنند ، عراق هم درست نقطه مقابل ما هست از هر جهت الان در حالت ضعف است ، من فکر می کنم تا پایان اسال بتوانیم وضع جنگ را به نقطه مطلوب برسانیم .

– در طی جنگ همانگونه که اشاره فرمودید طرفین ضایعات و خسارات فراوانی متحمل شدند ، ولی در عین حال یقیناً پیروزی نهائی

بکنند . و حالت دوستی و روابط سردم در صحنه فداکاری ، اینهم چیز است که در دوران جنگ بدست آمده ، یعنی مردم یک همبستگی بیشتری پیدا کردند ، بخاطر جنگ ، دیدن

طرف ، حالا ما شهید می دهیم و آنها از شان کشته می شوند ، معلولیهائی که می مانند ، مخارجی که شده ، وابستگیهائی که جنگ برای کسانی که وارد جنگ هستند یک مقداری ایجاد

نهضت‌های آزادیبخش .. برنامه های مجلس .. حوزه علمیه .. وضعیت ضد انقلاب

جمهوری اسلامی در جنگ نابرابری که بین ما بدون کمک خارجی و عراق با کمک همه ابرقدرتها و کشورهای مرتجع منطقه در جریان است نتایج مطلوبی برای انقلاب اسلامی خواهد داشت که ارزش تحمل همه ضایعات را دارد ، لطفاً نتایج این پیروزی را در یک تحلیلی کلی بیان فرمائید .

نا همین جا که رسیدیم ، یعنی همین مقدار که ما رسیدیم ، تا اینجا خیلی مهم است تا چه رسیده آینده ، یعنی با این فرض که دنیایمانند که ما انتهای تنها داریم می جنگیم و عسراق حمایت آمریکا ، فرانسه ، آلمان ، عربستان سعودی و کشورهای دیگر مرتجع منطقه را دارد دست اندر کار جنگیم . خوب کشوری که تازه انقلاب کرده ، مشکلات انقلاب بوده ، محاصره اقتصادی بوده ، و در داخل گروهکپهائی که از آزادیها استفاده کردند و گروهکهای ضد اسلام

دشمن قوی که آمریکا است و بلوک غرب و عمالش در منطقه ، اینها هم است .

البته خود جهاد از دیدگاه اسلامی ، اینکه آدم در محیط جهاد زندگی بکند و بیک نحوی شرکت در جهاد داشته باشد که "باب مسن ابواب الجنه" ، ایمافاً در جامعه ما این حالت سازندگی و روح دهی خودش راهسوز دارد ، این حالت ، حالت مفیدی است برای جامعه ، بجای اینکه به رخوت و رکود و "اخلا دالی الارض" بود ، بطرف "صعودالی الله" و حالات روحانی و حالات فداکاری و از خود مایه گذاشتن رفته ، اینها برای یک جامعه خیلی مفید است . حالا تبعات جنگ در آینده هست . جبران اینهمه خسارت ، اینهمه خرابی ، اداره این همه معلول و مخارجی هم که کردیم برای جنگ که زیاد بود ، مابخشی از بودجه مان را اولویت دادیم بطرف جنگ و آنجا صرف کردیم ، شاید

می کند ، همه اینها ضرر است ، ولی خوب ضروری است که تحمیل شده ، منتهی برای ما یک آثار مثبتی هم داشته ، آثار مثبتش این بوده که یک مقدار مردم توجه کرده اند که این انقلاب ، انقلاب عمیقی است و دشمن دارد ، و باید آمادگی بیشتری برای فداکاری داشته باشند . ثانیاً ارتشی که در ایران بوده ارتش وسیعی بوده ، دهها سال بدون جنگ زندگی کرده ، واقعاً ارتش نبوده بدان معنا ، یک چیزهایی خوانده بودند و یک تمرینهای غیر واقعی کرده بودند ارتش الان واقعا ارتش است . در کنار جنگ ، مردم مابخاطر شرکت در جنگ و دیدن جنگ روحیه نظامی پیدا کرده اند ، آموزش دیدند ، اینهمه نیروی تعلیم دیده که ما پیدا کردیم و تجربه دار ، این یک بیسمه ای است برای آینده یعنی ملت ما و ارتش ما مجموعاً الان جووری هستند که خطری را بخوبی می توانند دفع

اینها همکاران دشمن هستند، قبل از این جنگ حرکت‌های تجزیه طلبانه‌ای در کردستان وجود داشته که هنوز هم وجود دارد. مجموعه این همه مسائل، بعلاوه مسئله‌ای مثل مسئله بنی‌صدر که رئیس جمهور یک مملکتی آنطور خیانت کند، تروریست از آب دربیاید، فرمانده کل قوا باشد بعد برود با دشمن همکاری بکند، همه اینها را دشمن می‌داند. یک ملت با اینگونه مشکلاتش و این جور خوب بجنکد و با توجه به اینکه عراق هم ارتش نیرومندی به بهانه جنگ با اسرائیل در این مدت تهیه کرده بود، یعنی عراق ۱۲ لشکر نیرومند داشت و همه آماده جنگ. ماهیج و ضعمان اینجوری نبود، یعنی ما آماده جنگ به آن شکل اصلاً نبودیم، ارتش را تصفیه کرده بودیم، ارتش را داشتیم عوض می‌کردیم، جا بجا می‌کردیم، حالت ارتش حالت آماده جنگی نبود. تا اینجا دنیا فهمیده که این انقلاب خیلی نیرومند است. اگر قدم‌های بعد از این بیشتر برود و ما کاملاً پیروز از آب دربیاییم آن موقع جهان و منطقه روی ایران حساب دیگری خواهد کرد، یعنی ایران بعنوان یک دژ تسخیرناپذیر اسلام تثبیت می‌شود در منطقه، آن موقع شاید ما ثمرات خوبی برای مستضعفین جهان بتوانیم ارائه دهیم. از طرفی از لحاظ اخلاقی هم مستضعفین دنیا برای ما ارزش زیادی قائل شوند، یعنی ما در جنگ علیه غم اینهمه مشکلات، اخلاق و اصول اسلامی را فراموش نکردیم، کارهایی که عراق کرد، ما خیلی بهتر از آن می‌توانستیم بکنیم، یعنی موشک به شهر زدن، مراکز مردمی را کوبانیدن، اینها برای ما خیلی آسان بود، ما این کار را نکردیم، حتی ما با منابع اقتصادی و عمرانی عراق که در خدمت جنگ نبوده به آنها هم کار نداشتیم، تا این حد مواظبت می‌کردیم، چون ما میدانیم آینده عراق مال ملت عراق است و فکر ملت عراق هستیم، از طرفی ما در همین موقعی که با آنها در جنگ هستیم، آنها تمام مخالفین خودشان را می‌آورند در سرز تحویل ما می‌دهند، یعنی آواره می‌کنند در



استادهاشمی در زندان

مملکت. ما بیش از صد هزار عراقی آواره را الان پذیرائی می‌کنیم، اینهمه آواره داریم خودمان، آواره افغانی را داریم، آواره‌های داخلی جنگ را بیش از یک میلیون داریم، یک میلیون و نیم، آواره‌های عراقی را که آنها می‌خواهند بر ما تحمیل کنند ما با چهره باز از آنها پذیرائی می‌کنیم و مثل مردم خودمان پذیرائی می‌کنیم، اینها خیلی با ارزش است. دنیا ی غرب، امپریالیستها، ابرقدرتها، اینها چشمشان کور است، اینها را نمی‌بینند، شاید هم برایشان ارزش نداشته باشد، اما بهر حال وجدان بشری این مسائل را می‌فهمد و ارزش می‌گذارد. اینها در دراز مدت خیلی اثر می‌گذارد روی معرفی کردن اسلام و معرفی کردن واقعیت این ملت انقلابی. من خیال می‌کنم اگر ما تا آخر هم این روبه را ادامه بدهیم، پای بنیاد اصول و اخلاق باشیم، فتح واقعی این است، غیر از آنکه وجدان خودمان هم راحته، که ما به وظایف انسانی و اسلامیمان عمل کردیم و حتی در جنگ حالت انتقامی و این چیزها خودمان نکرقتیم.

— در مورد آثار جنگ و پیروزی آن به نفع جمهوری اسلامی بر منطقه بویژه دولت جنایتکار صهیونیست و کشورهای مرتجع منطقه توضیح بیشتری لطفاً فرمائید.
در کوتاه مدت اسرائیل و وابستگان اسرائیل

از این جنگ خوشحالید، برای اینکه الان ارتش عراق، ارتش ایران، و بالطبع خیلی از ارتشهای منطقه که با عراق همکاری می‌کنند گرفتار این جنگ هستند که به اسرائیل نمی‌رسند، البته عراق هیچوقت به اسرائیل نمی‌رسید علیه اسرائیل. بهر حال وجود داشت. اگر یک روزی در عراق یک دولت مردمی روی کار می‌آمد، این خطر برای اسرائیل بود که این ارتش قوی برود آن طرف. منافسانه با این ضربه‌هایی که الان ارتش عراق می‌خورد اسرائیل خوشحال است و حتی کشورهای مثل سعودی اینها هم گرچه خودشان شریکند به یک نحو در جنگ کمک می‌کنند به عراق، پول می‌دهند، امکانات می‌دهند، ولسی از این جهت که می‌بینند ماها مشغولیم و گرفتاریم شاید بنفعشان باشد، چون ورود گناه امپریالیسم همین را می‌خواهد، ولی در دراز مدت پیروزی ایران و تثبیت ایران هر دو اینها را می‌ترساند، یعنی آن روزی که ایران پیروز بشود بر عراق، مخصوصاً اگر به اینجا برسیم که در عراق یک دولت مردمی بیاید روی کار و همان ارتش بهم ریخته، منتسبی جنگ دیده را دوباره سازمان بدهد، بقایای ارتش عراق را با حمایتی که ما خواهیم کرده طرف اسرائیل برود. اسرائیل شاید از نتایج جنگ که پیروزی جمهوری اسلامی باشد وحشت داشته باشد، بلکه ممکن است این پیروزی در آینده خیلی بکار بیاید در این جهت.

نهضت‌های آزادی بخش

— در مورد نهضت‌های آزادی بخش به ویژه حرکت‌هایی که در منطقه و شمال آفریقا اوج گرفته احساس می‌شود چگونه که انتظار می‌رفت و منطبق با شعارهایی که برخاسته از عمق انقلاب اسلامی است کمک فعالی نشده است، دلیل آن چه بوده و تاکنون چه کرده ایم و چه برنامه‌ای خواهیم داشت.

خوب طبیعی است که یک ملتی که انقلاب کرده تا خود این انقلاب جابیفند مشکلات داخلی خودش تقدم دارد، مخصوصاً دشمنان می‌خواهند که ما نبردازیم به آنها و برای ما دائماً در داخل مشکل درست کردند. خود

آن نهضتها هم می فهمند که مصلحت خود آنها هم این است که ما در درجه اول خودمان را بجای برسانیم، یعنی همه امیدها را اینجا بر خاسته که یک انقلابی شده، شکست بخورد. آنها این امیدشان اصلاً از دست می رود، ملتها ما بوس می شوند. ما اگر بتوانیم که می توانیم انقلاب خودمان را تحکیم کنیم. یک الگوی جدیدی برای جوامع جدید که در حال انقلاب هستند بدیم، بزرگترین خدمت را کردیم. من همیشه حرفم این است که صدور انقلاب، کمک به مستضعفین و انقلابیون بیشتر به این است که ما خودمان را نشان بدهیم بدینا که می شود یک ملتی هر چند هم دشمنش قوی باشد قیام بکند و انقلاب بکند و پیروز شود و خودش را بسازد. ملت وقتی می بیند که ما با این همه مشکلات خودمان را به این جا رساندیم، این برایش مهمه. ما از کی کمک گرفتیم، ما وقتی که انقلاب کردیم در این دنیا هیچکس به ما کمک نمی کرد، تمام کشورهای اطراف ما با ما مخالف بودند با انقلاب ما، شرق و غرب را شاه باج داده بود و داشت. خودمان بودیم، حالاهم بهترین نوع کار برای انقلاب ممکن است و البته تا آن مقداری که مقدور بوده، آنطور هم نبوده که کمک نکنیم، ما به افغانستان کمک کردیم، به جاهای دور دست ترکم کردیم، لاف از لحاظ فرهنگی و تبلیغی و حمایت سیاسی همه اینها کمک کردیم، ما وقتی که با آفریقای جنوبی آنجور رفتار می کنیم، با اسرائیل آنجور رفتار می کنیم، با مغرب آنجور رفتار می کنیم، با فیلیپین آنجور رفتار می کنیم، همه روابطمان را قطع می کنیم و به آنها نفی نمی دهیم و با آنها با آن شدت برخورد می کنیم، اینها کمک به نهضت های منطقه است دیگر. در جاهایی مثل لبنان که بیشتر حضور داریم و کمک می کنیم، هم کمک کردیم و کمک عمده ما این است که آنها ببینند که این انقلاب پیروز شده، بعد از تنبیهش می تواند پایگاه مهمتری باشد.

— جناب عالی چند سفر به خارج داشتید و



همگان نتایج مطلوب آنرا احساس کردند آیا در آینده سفرهای بی از این قبیل به کشورهای دوست و یاد دعوت متقابل از رهبران کشورهای مطرح است؟

این بیشتر مربوط به وزارت خارجه می شود. وزارت خارجه ما همانطور که می دانید از اول انقلاب تا این اواخر فلج بوده، تازه دوسه ماهی است که آقای موسوی دارند آنجا را پایه ریزی می کنند. روزی که وزارت خارجه آماده بشود که فعالیتهای وسیع بکند و برنامه ریزی بکند و از امکانات برای این اهدافی که شما می گوئید استفاده بکند، ما می توانیم حرکت حساب شده ای داشته باشیم. ما هم انتظار داریم با آن زمینه هایی که در وزارت امور خارجه درست شده، آینده وزارت خارجه مان، و بالطبع حرکت سیاسی خارجیمان فعالیتش شود.

پس فعلاً برنامه خاصی تنظیم شده است؟

عرض کردم وزارت خارجه باید این کارها را بکند، و من نمی دانم که آیا آنها بر توافقی دارند یا ندارند، تا چند در انداز آنها خواسته شده که این کارها را بکنند.

مجلس شورای اسلامی

— در رابطه با مجلس شورای اسلامی الان

چه مسائل و موضوعاتی رایج حسب اولویت در برنامه کار مجلس دارید؟

ما امسال از اول گفتیم یک مقدار کارهای اصولی داریم، یک مقداری هم کارهای روزانه که بر ایمن پیش می آید، کارهای اصولی مان را یک مقدارش انجام دادیم و یک مقدارش را هم داریم انجام می دهیم. آنچه که الان در

دستمان است همین حالا لایحه دیوان عدالت اداری است که یکی از بنیادهای مهم پیش بینی شده در قانون اساسی است که امروز هم در مجلس مطرح است. ولایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی است که شور اولش مطرح شده، آنهم در دستورات. لایحه اراضی شهری است که کارش تمام شده و فقط با شورای نگهبان مسائلی داریم که داریم حل می کنیم. لایحه اراضی کشاورزی است که آنهم هم بصورت طرح و هم لایحه الان در کمیسیونها مطرح است دارد در پیش کار می شود، و تفصیلات کشوری است که مجلس دارند فشار می آورده وزارت کشور، دارد کار می کند، امیدواریم امسال انجام بشود. مسئله بانکها و ریاست که از دولت خواستیم، دولت دارد تعقیب می کند، ما هم تعقیب می کنیم، اگر بیاید و این مسئله حل بشود، خیلی مهم است. در بعد اقتصاد و اسلامی قضیه بازرسی کل کشور بوده که تاسیس شد و ما لایحه اش را تصویب کردیم. شوراهاست که لایحه اش آماده است داریم انجام می دهیم. مسئله مهم مالکیتها است و وضع صنعت کشاورزی است که باید بجای برسد، الان کمیسیونهایی دارد در دولت کار می کند، مجلس هم آنجا حضور دارد که برنامه ریزی بشود برای آینده. البته کارهایی مثل کابینه بوده که امسال انجام دادیم، مگر پیش آمده. لایحه احزاب بود، مطبوعات بود، احزاب را تصویب کردیم، مطبوعات را شور دومش را داریم، روی هم رفته بنظر می رسد که تا آخر امسال ما همه کارهای بنیادی را در رابطه با تحکیم وضع انقلاب و تعیین و تکلیف ارگانهای مختلف انجام بدهیم انشاء الله.

— مجلس در شرایط کنونی چه مشکلاتی بر سر راه تصویب قوانین مهم و حیاتی دارد و اصولاً دلیل تقاضای شما از امام برای حل این مشکلات چه بود و نقش این حکم در باز کردن دست مجلس را بیان فرمائید:

این مسئله یکی از چیزهای مهمی بود که باز هم رویش کم کار شده، همانطوری که

شما می دانید، ببینید اگر این جور بود که ما یک جامعه‌ای از ابتدای خواستیم شروع بکنیم و یک جامعه اسلامی از صفر شروع بکنیم مثل زمان پیغمبر (ص)، خوب این یک شکلی داشت خورده خورده بمناسبت پیش آمدها قانون می گذرانندیم و می رفتیم جلو، و یا اگر یک جامعه اسلامی داشتیم، وارث یک جامعه اسلامی بودیم، خوب یک مقدار اصلاحات جزئی می کردیم یا نداوم می دادیم به آنها، و اگر عمل نمی شد عملش را درست می کردیم، این جور بود، کار راحت بود، انقلاب واقعا انقلاب است، از یک جامعه غیر اسلامی تا حدودی پیشرفته ما می خواهیم منتقل بشویم به یک جامعه اسلامی، این خیلی مشکل است انقلاب عمیق است، اکثر آدرک نمی کنند که چقدر چیزها باید زیر و رو بشود، دهها کتاب قانون وجود دارد که اینها هیچ نقیدی به اسلام ندا شنند، هر جور مصلحت دیدند قانون گذرانند، روابط اجتماعی اسلامی نبوده، روابط اقتصادی اسلامی نبوده، روابط سیاسی اسلامی نبوده، روابط فرهنگی اسلامی نبوده، معیارها غیر اسلامی بوده، روابط سیاست خارجه اسلامی نبوده، جامعه هم یک جامعه سطح سادمای نیست، مثل کامبوج نیستیم که حالا یک کشور کشاورزی را بخواهیم عوض بکنیم، یک کشوری است که شما هر کجا می روید می بینید کارخانه های عظیم و موسسات بزرگ گول پیکری، گرچه مونتاز، وجود دارد. ثروتهای عظیم اینجا و آنجا انباشته است، روابط خارجی نزدیک بیست میلیارد دلار مبادلات اقتصادی داریم در سال، و خیلی چیزهای مهم اینها همه بامعیارهای غیر اسلامی یا مخلوط اسلامی و غیر اسلامی وجود دارد، اینها باید عوض بشود، نه باطل محض است که یک دفعه همه چیز روشن باشد و اینها را بریزند بهم، نه حق محض است که تثبیت کنیم، مخلوطی از حق و باطل است. در اینطور مواردی حکومت اگر بخواهد اسلامی باشد، خیلی مشکلات دارد، یعنی خیلی چیزها را باید مراعات کند که دست و پاگیر است، یعنی اگر بخواهد از اینجا یکدفعه همه چیز اسلامی

باشد، اینهمه اقلیتها می که در کشور هستند و روابطی که با اینها بوده و هست، البته این در اسلام پیش بینی شده است، اسلام برای این مراحل هم حکم دارد، خوشبختانه کامل است. "ولایت فقیه" در حکومت برای همین گونه موارد است، یعنی باید یک تصمیمات موقتی گرفت و مرحله انتقالی را فکری برایش کرد. اینها با احکام اولیه اسلام (اصطلاحاً) احکام اولیه اسلام می گویند، والا اینها همه احکام اولیه هستند به یک معنی) نمی شود کاری کرد، خود ولایت فقیه اصل اولیه اسلام است. شما در زمان خود پیغمبر می بینید که آن جامعه ساده جاهلیت آن روز را پیغمبر سه تدریج اسلامی کرد، می بینید را در چند

خوب، این تصمیم امام یک مقدار با کمک کرد، قسمت عمده اش بیشتر تشخیص موضوع بود. یکی از مشکلات باز جامعه ما این است که عادت کرده همان چیزهایی که مال خود جامعه است تشخیص مال خود متخصص است آنها را هم عادت کرده از فقیه و مرجع تقلید بگیرد، این رساله های عملیه را اگر شما ببینید بیشتر از مسائلشان موضوعی است که برای سهولت کار مقلدین آورده اند اینجا، والا یک چیزهایی است که باید خود مردم تشخیص بدهند. همین وضع در مسائل اجتماعی هم الان هست، یعنی توقع این است که حتی مسائلی که عرف متخصص



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرحله تحریم می کنید، مشروبات الکلی در چند مرحله به آن صورت تحریم می شوند و ممنوع می شوند. ما در همه مسائل همان الان اینگونه هستیم، بعلاوه پیچیدگیهای اقتصادی و سیاسی که داریم، یعنی یک تصمیمات موقتی ناچاریم بگیریم، این تصمیمات موقت را مجلس اگر بخواهد بصورت قانون بگذراند، خوب شورای نگهبان ناظر است و باید از لحاظ اسلامی اینها را تایید بکند، ممکن است که موافق نباشد، در بعضی از مواردش بخاطر این که با احکام اولیه اسلام سازگار نیست، بدون کمک ولایت فقیه ما نمی توانیم این کارها را تمام بکنیم، و مشکلات را حل بکنیم،

باید تشخیص بدهد بازار فقیه می گیرند، و اینطور چیزها نیست که آن حکم امام یک مقدار روشنگری داشت و هدایت داشت به مجلس، اینها حقوق خودش هست، مقدار کمش هم ممکن است از ولایت فقیه باشد. به هر حال من خیال می کنم یکی از مشکلات بسیار عظیم انقلاب اسلامی همین است، تشخیص اینکه در این مرحله انتقالی بکسری تصمیمات موقت باید گرفته بشود، که اگر تشبیهت بشود حکومت اسلامیان، نیاز به اینها نداریم، در جامعه غیر اسلامی هم نیاز به اینها نداریم، فقط این دوران انتقالی از غیر اسلامی به اسلامی نیاز به تصمیمات موقت داریم که

مشکل مجلس، مشکل قانون گذاری، مشکل دولت اینجاست ★

— به منظور شگفته شدن بیشتر، یکی از موارد را بعنوان مثال بیان فرمائید:

مثال، همین زمین شهری، خیلی مثال داریم. زمین شهری، خوب همه فقها می دانند، مردم هم می دانند که بیابانهای خد مال کسی نیست. در دوران گذشته رسم بود با رژیم قبلی با اداره ثبت، شهرداریها برنامه هائی داشتند، می رفتند بیابانها را می گرفتند، خط می کشیدند دورش، یا یک دیوار می کشیدند، یا یک خیابانی اسفالت می کردند و می گفتند اسمش "شهرک شد و یک لوله آب از بودجه دولت می آمد رویش، می شد زمین و تجارت می کردند، متری تسا



چند هزار تومان می فروختند، دهها بار اینها دست بدست گشته توی دست مردم، در صورتی که اصلش مال مردم بوده، مال اشخاص نبوده در همه ایران چنین چیزی وجود دارد، به دلیل نبودن اقتصاد درست، پولهای بسیاری از مردم رفته توی این خط کار، زمین شده مثلاً متری فرض کنید سه چهار هزار تومان، دوسه هزار تومان، یک کارگر و یک کارمند برای اینکه بخواد دویست متر زمین را داشته باشد خانه بسازد، همه اندوخته تمام دوران زندگیش را که بیاورد تازه زمین نمی تواند بخرد، و تازه از یک ممرنا مشروعی است که اسلام هم قبول نداشته، ولی خوب این مخلوط شده بویا اینکه یک نیمه احیائی اسم رویش گذاشته اند یا سند ثبتی است یا یک معامله عن تراش شده و پولی داده و

سندی گرفته، حالا هم دست اشخاص است، اگر بخواهیم اینجوری بگذریم باز در شرائط موجود هم روز بروز گرانتر می شود، مخصوصاً که حالا داریم یکسری کارها را مثل تجارت خارجی، یارویی، با اینها را می بندیم، بولها بازمی آید توی همین خط، یعنی باعث می شود که زمین متری دو هزار تومان بشود، ده هزار تومان، همه کارها کشیده می شود به اینس دلال بازیها و اینها، اینکه نمی شود آزاد بگذاریم، یعنی محروم کردن برای همیشه مردم را از منزل، بخواهیم جلوش را بگیریم، به مشکل برخورد می کنیم که بعضی هایشان پول داده اند خریده اند، بعضی هایشان به ارث برایشان رسیده، بعضی هایشان یک دستی در اینها برده اند و خیال می کنند احیاء کرده اند که در واقع احیاء نیست، شبهه احیاء دارد، مخلوط از حق و باطل است، بعضی هایش هم شاید واقعاً بکنوع چیزهائی باشد، شاید یک کارمندی رفته اند و ختاش را داده و یک قطعه زمین در بیابان از یک کسی خریده، ذخیره اش هست، یا پنج قطعه خریده، چه بکنیم با اینها، نمی شود بیکباره بدون هیچ ملاحظه ای همه را التور کرد، چون این چیزها را دارد، نمی شود ابقا کرد انظور است، خوب اینجا باید ولایت فقیه با توجه بوضع موجود و با مشورت با خبره ها یک فکری بکند برای این مشکل، و این تنگنائی که از گذشته برای ما به ارث رسیده یکجوری رفع کنیم که هم زمین دست مردم بماند و هم حقوق مردم ضایع نشود و هم مراعات حقوق مشروع مردم بشود، البته یک تصمیم کلی که آدم می گیرد بهر حال یک ضایعات اینجوری هم دارد، ولایت فقیه برای همین جاست. این ضایعات کوچک را تحمل بکنند بخاطر مصالح کلی جامعه. این یک مسئله. در اراضی کشاورزی هم همین حرف هست، در تجارت خارجی هم همین حرف است، در خرید نیازهای مردم هم که واسطه ها و دلالها و محترکین می کردند همین حرف هست، در سهام کارخانجات، بانکها همین حرف هست، و در برخورد با ضد انقلاب باز همین مسائل از بعد دیگری هست،

مسائل اساسی کشور اینها را دارد، در پاکسازی ادارات همین حرف هست.

ضد انقلاب

— وضعیت موجود ضد انقلاب را در داخل و خارج بیان فرمائید، با توجه به اینکه ضد انقلاب و آریابانشان بدلیل ضربه های مهلکی که از انقلاب اسلامی خورده و می خورند، سادگی از انقلاب دست بردار نیستند، در مورد هوشیاری و نحوه برخورد ملت انقلابی با توطئه های ضد انقلاب چه رهنمودهائی دارید؟

ضد انقلاب یک طیف وسیعی دارد، در انقلاب ما چونکه ابعاد انقلاب تا هر قدر وسیعتر باشد شامل هر بخش از جامعه بشود آنجا یک مقدار دشمن درست می کند، ما در برخورد با عوامل رژیم گذشته یک بخش وسیعی ضد انقلاب داریم، ساواک که منحل شد، وزارت دربار که منحل شد، سران ارتش که تصفیه شدند، سران کشوری که تصفیه شدند، دلالها و عوامل اینها که تصفیه شدند، اینها همه با خانواده هایشان و دوستانشان و کسانی که از ناحیه آنها نان می خوردند، می دانید که چه بخش عظیمی هستند، سرمایه داران نامشروع که در این کشور بودند می زدیند، می چاپیدند در صورت های مختلف، اینها هستند، ولگردها، تمام کسانی که از ناحیه نامشروع زندگی می کردند، از بودجه مشروب، قمار، کاباره ها، سینماها، بلیط بخت آزمائیها و از این چیزهائی که بود بیمه های منسوخ شده، اینها همه یک طیف دشمن اسلامند، در کنار اینها گروهکها هم هستند که داعیه سیاسی دارند، با اصولاً ضد بینند، از انقلاب اسلامی بدشان می آید، خوب زیادند اینطور آدمها، با آنها که داعیه هم دارند، مثلاً مارکسیستند، ملی گرایند، و چیزهائی از این قبیل، و سوسیالیستند، اینها آنوقتی که می بینند روابط اسلامی دارد برقرار می شود، اینها هم ناراحتند، آن بخش اولی که گفتیم آنها زمینهای می شوند برای رشد این گروهکها، یعنی اینها داعیه سیاسی مطرح می کنند، آنها می آیند زیر پرچم اینها و به اسم اینها بسا

اینها همکاری می کنند، می شوند یک سازمان، لذا مثلاً گروهی مثل سازمان منافقین - به اصطلاح مجاهدین خلق - اینها رشد می کنند حسابی، آنهم از ناحیه همانها، و بیشتر بجهت و طیف ضد انقلاب به اینها می پیوندند در این دوسه سال هم که آزادی بوده امکانات هم متناسفانه دست بنی صدر و اینها افتاده بود، زمینه رشد اینها خیلی شد و راه افتادند حسابی، بکنوع هم بستگی هم برای خودشان درست کرده بودند و خیال می کردند می توانند اسلام را از صحنه بیرون کنند، خوشختانه این بدنه اصلی جامعه و توده مردم، حضوری که روحانیت در مردم دارد یا نفوذی که امام دارند، اینها همه عواملی بود که باعث شد اکثریت مردم حسابی در مقابل آنها بایستند و همانطور که می دانید خوب با اینها مبارزه شد، یعنی مردم خوب مبارزه کردند، تا آنجائی که آدم می تواند بفهمد در حال حاضر این مرحله از فعالیتهای ضد انقلاب خیلی ضربه خورده، چیزی از او نمانده است، البته آن عوامل اصلی آن زود خودشان را پنهان کردند و کنار رفتند و زیر زمین اند، شاید خیلی ها - بشان مانده با آن عوامل اصلی، ولی آنها خیلی نیستند، آنها اهل کار نیستند، کارها را این جوانها و بچه های فریب خورده می کردند که اینها هم عده زیادشان شاید آنطور که می گویند، هشتاد درصدشان بیشتر، نبود درصدشان یا با زدا شدند، یا از میدان در رفتند، کار فعالی نمی توانند بکنند، ولی تروریسم بصورت مرض مزمن است، تروریسم را به آسانی نمی شود کندش، چون خود تصفیه تروریستها خودش تروریست می زاید، یعنی شما وقتی که یک نفری را اعدام می کنید بجرم ترور، برادر دارد، خواهر دارد، دوست دارد، فامیل دارد، حالت کینه توزی به آنها دست می دهد، آنها حالت انتقام جوئی می گیرند، از طرفی دشمنهای داخلی و خارجی هم اینها را تحریک می کنند، و کمکشان می کنند، راه زندگی شان را بازمی کنند، این حالت ممکن است خیلی طول بکشد، منتهی دیگر فقط همین قدر اثر دارد که ناامنی ایجاد بکند، به دشمنان

دیگر نمی توانند برسند، یعنی الان آنها دیگر هدف دار نمی توانند مبارزه بکنند، صرفاً عکس العملی و انفعالی و کینه توزانه می خواهند خودشان را نشان بدهند، با مثلاً انتقامی بگیرند از این موردی، از این کارها خواهد بود. بنظر من یکی از مراحل مهم انقلاب که برخورد با این گروهها بود که در زمینه آزادی رشد کرده بودند، در کنار جنگ، موقع مناسبی هم پیش آمد و با پای پیروزی ما در جنگ نشاء - الله، در بعد ضد انقلاب داخلی هم پیروزی پیش می آید، و اگر مسئله پیش بینی نشده ای پیش نیاید من فکر می کنم بعد از جنگ ما زمینه برای حرکت های سازندگی در کشورمان داریم.

"نفر من کل فرقه طائفه لیتفقوا فی الدین" یک تفسیرش اینست که: یک عده ای بروند جنگ و بمانند برآ. بنده درس بخوانند و چیزها دیگری بگویند برای تعلیم، درست است که الان داریم از ذخیره سالهای گذشته استفاده می کنیم، اما هر مقدار ما پیش می رویم جامعه نیاز به روحانیون متعهد درس خوانده بیشتر دارد، ضمناً من الان این را یک ضرورت می بینم که باید حوزه های درسی گرم بشود، جدی تر بشود، طلبه ها بشوند که مثل کلاسهای درس دولتی که مقیدند باشند حضورشان اجبار باشد درس بخوانند، البته با وسعتی بیشتر یعنی با همان حوصله و با آن پشتکاری که

شما خیلی تاکید کنید در مجله که ما الان بیشتر از گذشته نیاز به تحصیل کرده های علوم دینی داریم.

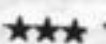
حوزه علمیه

چنانچه عالی گرچه اکنون مسئولیتهای بزرگی در صحنه سیاسی کشور دارید، ولی بعنوان یک روحانی در رابطه با حوزه های علمیه نظر شما را بیان فرمائید:

در حوزه حوزه، متناسفانه بعد از انقلاب، با خوشبختانه هر دو آن، بسیاری از نیروهای حوزه بخاطر نیازهای انقلاب ناچار شدند در اطراف کشور پخش شوند و به کارهای غیر حوزه های پیرو دارند، در دستگاه دادگستری، در مجلس، در نهادها، در جنگ، در نماز جمعه ها، در خدماتی که وجود دارد، تبلیغات و من الان در حوزه نیستم، ولی می توانم حدس بزنم که حوزه مقدار زیادی از نیروهای تعلیم دهنده و سازنده خودش را در این جهت از دست داده، البته اینها آثار دیگری دارد، چون حوزه را اصلاح می خواهیم برای اسلام، اینها دارند نتایج کارشان و تحصیلاتشان را می گیرند، باید هم اینجوری باشد، ولی من خیال می کنم که یک بخش از مدرسن و علمای حوزه باید خیلی با برجا در حوزه بمانند و تلاش کنند که در سها و حوزه های تحصیلی حوزه را گرم نگه بدارند. این آیه شریفه:

"ما کان المؤمنون لیغفروا کافه فلولاً"

طلبه ها قبلاً درس می خواندند، به اضافه حضور مداوم، گرم نگه داشتن حوزه ها این کار را بکنند، خوشبختانه چون حالا حکومت اسلامی است، اگر نواقصی هم در حوزه است به آسانی می توانند حل بکنند، مسائل مسکن، مسائل تهیه کتاب، مسائل برنامه ها، مسائل دیگری که در جنبش بود که گاهی مانع درس خواندن ما ها می شد، اینها را هم ندارند، بهتری می توانند درس بخوانند، شما خیلی تاکید کنید در مجله که ما الان بیشتر از گذشته نیاز به تحصیل کرده های علوم دینی داریم، البته یک استقبال هم از طرف جوانها شده، خیلی از دانشجوها به ما مراجعه می کنند و سوال می کنند که ما برویم حوزه درس بخوانیم، فکر هم می کنم، خوب هم هست که یک عده ای بپایند، جایی که آمادگی تحصیلی دیگری دارند بپایند آنجا هم درس بخوانند بجاست.



شکر می کنیم که وقت گرانبایان را در اختیار ما گذاشتید.
- من هم از شما متشکرم که زحمت می کشید و این کارهای فرهنگی و سازنده را دارید، انشاء الله که موفق تر باشید، سلام ما را به همکاران و دوستان حوزه برسانید.